

نقدی بر گزارش مسعودی از توجه ایرانیان به کعبه در روزگار پیش از اسلام^۱

سید حسن مهدیخانی سروجهانی^۲

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

چکیده

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (د. ۳۴۵هـ)، گزارشی را در دو اثر معروف خود، *مروج الذهب* و *التنبیه و الاشراف*، آورده که طبق آن ایرانیان باستان، من جمله ساسان بن بابک با هدایایی به زیارت کعبه می‌رفته‌اند. بر اساس این روایت، نام چاه زمزم نیز از زمزمه ایرانیان اقتباس شده است. این مقاله با بررسی نکات اساسی روایت مسعودی، به مقایسه آن با روایاتی که در منابع دیگر درباره تاریخ ایران و تاریخ مکه پیش از ظهور اسلام آمده، می‌پردازد. در این نوشتار معلوم می‌شود خبر توجه ایرانیان به کعبه در دوران پیش از اسلام، در آثار مورخان پیش از مسعودی و مورخانی که پس از وی با دید نقّادی تاریخ را نوشته‌اند، نیامده است، بلکه این روایت، روایتی شاذ است که فاقد اصالت بوده و نشأت گرفته از اندیشه‌های شعوبی‌گراانه ایرانیان در دوران اسلامی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مسعودی، ایرانیان و اعراب، ساسان، کعبه، زمزم.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۷.

۲. رایانامه: s.h.mahdikhani@gmail.com

مقدمه

با آن که تاریخ‌نگاری دوره ساسانی در تکامل تاریخ‌نگاری اسلامی جایگاه خاصی دارد، اما به دلیل از بین رفتن برخی متون دوره ساسانی، اطلاعات ما راجع به تاریخ این دوره مبتنی بر آثار دیگران،^۱ از جمله آثار مورخان اسلامی، مانند مسعودی است.

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی (د. ۳۴۵هـ.) در ذکر تاریخ ساسانیان، گزارش‌هایی را نقل کرده که برخی از آنها آمیخته با افسانه و ابهام است؛ از جمله این روایات، روایتی است که بر اساس آن ایرانیان باستان، مکرر به زیارت خانه کعبه رفته و برای آن هدایایی می‌برده‌اند و نام‌گذاری چاه زمزم نیز به خاطر زمزمه ایرانیان در کنار آن بوده است. مسعودی این روایت را بدون ذکر منبع خبر، هم در *مروج الذهب*^۲ و هم در *التنبيه و الاشراف*^۳ آورده است. گزارش

۱. اشپولر، ۱۸.

۲. مسعودی در *مروج الذهب* روایت را چنین آورده است: «ایرانیان قدیم به احترام خانه کعبه و جدشان ابراهیم علیه السلام و هم توسل به هدایت او و رعایت نسب خویش بزیارت بیت الحرام می‌رفتند و بر آن طواف می‌بردند و آخرین کسی از ایشان که به حج رفت ساسان پسر بابک جد اردشیر بابکان سر ملوک ساسانی بود. ساسان پدر این سلسله بود که عنوان از انتساب او دارند چون ملوک مروانی که انتساب از مروان دارند و خلیفگان عباسی که نسبت به عباس بن عبد المطلب می‌برند و چون ساسان بزیارت خانه رفتی طواف بردی و بر چاه اسماعیل زمزمه کردی گویند به سبب زمزمه‌ای که او و دیگر ایرانیان بر سر چاه می‌کرده‌اند آن را زمزم گفته‌اند و این نام معلوم می‌دارد که زمزمه ایشان بر سر چاه مکرر و بسیار بوده است. یک شاعر قدیمی در این زمینه گوید: ایرانیان از روزگاران قدیم بر سر زمزم زمزمه می‌کرده‌اند. و یکی از شاعران ایران پس از ظهور اسلام باین موضوع بالیده ضمن قصیده‌ای گوید: و ما از قدیم پیوسته به حج خانه می‌آمدیم. و همدیگر را در ابطح به حال ایمنی دیدار می‌کردیم. و ساسان پسر بابک همی راه پیمود تا به خانه کهن رسید که از روی دینداری طواف کند. طواف کرد و بنزد چاه اسماعیل که آبخواران را سیراب می‌کند زمزمه کرد. ایرانیان در آغاز روزگار مال و گوهر و شمشیر و طلای بسیار هدیه کعبه می‌کردند همین ساسان پسر بابک دو آهوی طلا و جواهر با چند شمشیر و طلای فراوان هدیه کعبه کرد که در چاه زمزم مدفون شد. بعضی مؤلفان تاریخ و دیگر کتب سرگذشت بر این رفته‌اند که این چیزها را جرهمیان بهنگام اقامت مکه هدیه کرده‌اند. جرهمیان مالی نداشتند که این چیزها را بدیشان نسبت دهند شاید از دیگران بوده است و خدا بهتر داند». (*مروج الذهب*، ۱/۲۶۶).

۳. مسعودی در *التنبيه و الاشراف*، (۹۶) روایت را مختصر و با اندکی تفاوت ذکر کرده است: «ایرانیان به روزگار قدیم به احترام ابراهیم خلیل علیه السلام با نذرهای معتبر آهنگ بیت الحرام می‌کردند و بیت الحرام نزد آن‌ها مهم‌ترین معابد هفتگانه و خانه‌های معتبر جهان بود. و کسی که متعهد امور خانه بود مایه بقا و استمرار حرمت آن شده بود و در این مورد به گفته یکی از عربان دوران جاهلیت استشهد می‌کردند که گفته بود: ایرانیان از روزگار بسیار قدیم بر کنار زمزم زمزمه می‌کردند».

مسعودی از ارادت ایرانیان قدیم و ساسانیان به کعبه، توسط مطهر بن طاهر مقدسی (د. نیمه دوم قرن ۴هـ) مورخ هم عصر مسعودی نقل شده^۱ و به آثار برخی از جغرافیایان و مورخان نیز راه یافته است.^۲

این روایت در صورت صحت، درباره اوضاع فرهنگی و دینی ایران پیش از ظهور اسلام اهمیت خاصی دارد؛ بنابراین باید از زوایای مختلف آن را بررسی کرد و برای صحت آن، شواهد و قرائنی یافت و یا بی اساس بودن آن را روشن ساخت. اگر چنین روایتی پیش از مسعودی وجود داشته و معروف بوده، پس چرا در منابع دیگری که قبل از مسعودی نگارش یافته و به تاریخ ساسانیان^۳ و تاریخ مکه^۴ پرداخته‌اند، دیده نمی‌شود؟ و اگر چنین گزارشی وجود نداشته، پس مورخ بزرگی چون مسعودی بر چه اساسی آن را نقل کرده است؟

عدم ذکر این روایت، توسط مورخان پیش از مسعودی و عدم ذکر نام راوی و منبع خبر توسط مسعودی، هم‌چنین نیامدن روایت در آثار مورخان بعد از وی، مانند ابن اثیر (د. ۶۳۰هـ) و ابن مسکویه (د. ۴۲۱هـ) که با دید نقادی تاریخ را نوشته‌اند، اصالت آن را مورد تردید قرار می‌دهد.

برخی محققان به این روایت توجه کرده‌اند؛ اصغر حیدری دو پژوهش با عنوان: «حج ایرانیان و زمزمه در کنار زمزم»^۵ و «ایرانیان در سپیده دم اسلام»^۶ انجام داده است. نویسنده در هر دو مقاله با استناد به روایت مسعودی، به دنبال آن است تا رابطه معنوی ایرانیان باستان با مکه را اثبات کرده و ارادت قلبی و عملی ایرانیان به کعبه و چاه زمزم را نشان دهد. سید علی حسنی نیز، تحقیق مشابهی را با عنوان: «جایگاه کعبه در نزد اقوام جاهلی و پیروان ادیان مختلف»^۷ انجام داده و به روایت مسعودی استشهاد کرده است. نویسندگان دیگری نیز چنین هدفی را

۱. مطهر بن طاهر مقدسی، ۴۸/۴.

۲. نک: ادامه مقاله.

۳. نک: دینوری، ص ۴۲ به بعد؛ یعقوبی، ۵۹/۱؛ طبری، ۳۸/۲ به بعد.

۴. نک: ازرقی، ۱۵۷-۵۴/۱.

۵. حیدری، اصغر «حج ایرانیان و زمزمه در کنار آن»، ۵۳-۵۸.

۶. همو، «ایرانیان در سپیده دم اسلام»، ۳۱-۵۳.

۷. حسنی، ۴۲-۴۵.

دنبال کرده‌اند. آنان در مطاوی آثار خود به روایت مسعودی اشاره کرده و بدون نقد و بررسی روایت، آن را پذیرفته‌اند.^۱

برخی محققان، روایت مسعودی را مورد تردید قرار داده و آن را خالی از حقیقت،^۲ افسانه،^۳ ساختگی و ناشی از شعوبی‌گری ایرانیان^۴ دانسته‌اند، اما هیچ کدام از این نویسندگان، روایت مسعودی را به صورت موردی تحقیق و بررسی نکرده‌اند، بلکه تنها در تحقیقات خود راجع به موضوعات دیگر، به این روایت اشاره کرده و بدون تحلیل و بررسی روایت، درباره آن نظر داده‌اند. به‌طور کلی راجع به این روایت، تحقیقی که بتواند پرده ابهام از آن بردارد و حقیقت را نمایان کند، انجام نشده است. بی‌تردید تحقیق درباره این روایت و نقد و بررسی علمی و موشکافانه آن، نتیجه‌ای متفاوت به دست خواهد داد.

این نوشتار در پی آن است، با بررسی دلایل مسعودی مبنی بر توجه ایرانیان به خانه کعبه در روزگار پیش از اسلام و مقایسه آن با گزارش‌های مربوط به تاریخ ایران قبل از اسلام و تاریخ مکه، در منابع دیگر، اصالت و یا جعلی بودن این روایت را آشکار کند. ابتدا راجع به شیوه تاریخ‌نگاری مسعودی، منابع مورد استفاده وی و ارزش و اعتبار گزارش‌های او، به‌ویژه در بخش تاریخ ساسانیان، سخنی کوتاه خواهیم داشت. سپس با تحلیل و بررسی روایت مسعودی از توجه ایرانیان به خانه کعبه، درباره آن به داوری خواهیم نشست.

جایگاه مسعودی در تاریخ‌نگاری

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، به‌عنوان پیشوای مورخان و هردوت عرب،^۵ در دوران حیات حیات خود آثار فراوانی را تدوین کرد. از میان حدود سی و شش اثر منسوب به او، تنها دو کتاب *مروج الذهب و التنبیه و الاشراف* باقی مانده است. *مروج الذهب*، بخشی از اثر مفقود او، *اخبارالزمان* است و *التنبیه و الاشراف*، خلاصه فلسفی همین اثر اوست.^۶

۱. صفری فروشانی، ۷۷-۷۸؛ امینی، ۶۳-۶۴؛ رفعت پاشا، ۲۹۰؛ السباعی، ۵۹.

۲. آذرنوش، ۲۳۴.

۳. ملایری، ۱۴۳/۲.

۴. الهیاری، ۱۲۵؛ محمودآبادی، ۲۱۷.

۵. مسعودی، ترجمه *التنبیه و الاشراف*، مقدمه مترجم، ۱۳.

۶. هوار، ۶۳.

آثار مسعودی از جهت ترکیب و تنظیم موضوعی، به کلی متفاوت از دیگر تواریخ اسلامی است. بنا بر گفته گیب، مسعودی در بین مورخین عرب پایگاه ویژه‌ای دارد ولی ترکیبات عمیق که آثار وی را در ابهام فرو برده، دریافت ایده واقعی روش‌های او را مشکل می‌نماید.^۱ مسعودی، دامنه تحقیقات خود را از مطالعات اسلامی فراتر برده، درباره تاریخ ایران، هند، روم، آداب و سنن یهودیان و مسیحیان نیز به بحث پرداخته است.^۲

مسعودی در بخش تاریخ ساسانیان از منابع و مصادر گوناگونی بهره برده است. در این میان، منابع و متون اصیل ساسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه گزارش‌های مسعودی به خوبی نشان می‌دهد که او به *خدا/ینامه* توجه ویژه‌ای داشته است. هم‌چنین کتاب‌های *آئین‌نامه*، مانند *گاه‌نامه* را دیده است.^۳ مسعودی از مشاهده کتابی در شهر استخر خبر می‌دهد که شامل تصاویر پادشاهان ساسانی بوده است.^۴ هم‌چنین نامه تسنر که در عهد اردشیر اول به پادشاه طبرستان نوشته شده بود مورد استفاده مسعودی قرار گرفته است.^۵

علاوه بر متون ساسانی، مسعودی از نوشته‌ها و روایات برخی آگاهان اخبار نیز بهره برده است. یکی از کسانی که در اخبار ساسانیان، مسعودی از او روایاتی را نقل کرده، ابو عبیده معمر بن مثنی^۶ است که برخی او را ایرانی نژاد و مظلون به اندیشه شعوبی دانسته‌اند. مسعودی بجز ابو عبیده، از دیگر راویان عرب نیز نقل روایت کرده، اما اغلب نام راوی را نیاورده است. وی در برخی گزارش‌ها درباره ساسانیان، به اشعار برخی شعرای ایرانی، بدون این که نامی از آن‌ها به میان آورد، استناد کرده و در برخی مواقع، به تمایلات قومی نیز توجه نموده است. در گزارش‌های مسعودی گرایش ویژه‌ای استنباط می‌شود که تا حد زیادی متأثر از گرایش‌ها و

۱. گیب، ۲۲-۲۳.

۲. الهیاری، ۱۱۴.

۳. کریستن سن، ۱۰۱.

۴. مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ۹۹.

۵. همان، ۹۸.

۶. ابو عبیده معمر بن مثنی (د. ۲۱۰ یا ۲۱۱هـ)، وی در کتاب *المثالب*، از عده‌ای از صحابه بدگوئی کرده و به همین همین سبب اعراب چندان نظر خوبی نسبت به او نداشته‌اند، به طوری که در هنگام مرگش هیچ کس بر جنازه او حاضر نشد. کتاب‌های بسیاری را به او نسبت داده‌اند که برخی به موضوعاتی، درباره خوارج، موالی و ایران مربوط است. کتاب *خراسان*، کتاب *خوارج*، کتاب *موالی* و کتاب *فضائل الفرس* از آثاری هستند که به او نسبت می‌دهند؛ (ابن ندیم، ۹۲-۹۳).

اندیشه‌های شعوبی است. پاره‌ای از گزارش‌های مسعودی در *مروج الذهب و التنبيه و الاشراف*، که روایت مورد بحث این نوشتار نمونه آن است، آن چنان دور از حقیقت است که هر چند انگیزه‌های این گونه روایات را نمی‌توان بدرستی معلوم داشت، اما بی‌تردید بیان چنین روایاتی نمی‌تواند بی‌تأثیر از اندیشه‌های شعوبی‌گرانه و تکاپوهای عناصر ایرانی در برابر برتری‌جویی اعراب باشد.^۱ چنان‌که مسعودی در بیان گزارش توجه ایرانیان به کعبه، انگیزه‌های ایرانی در پرداختن به چنین روایاتی را روشن ساخته و نوشته است، یکی از شاعران ایرانی پس از ظهور اسلام به این موضوع بالیده است...^۲؛ بنابراین این بخش از سخن مسعودی و شعر شاعر ایرانی، به‌خوبی بروز تمایلات ایرانی در چنین اخباری را روشن می‌سازد. وجود این گونه روایات در نوشته‌های مسعودی کم نیست و می‌توان نمونه‌های زیادی را ذکر کرد^۳ که آوردن آن‌ها در این جا ممکن نیست.

نقد و بررسی روایت

روایتی که مسعودی در *التنبيه و الاشراف* آورده با روایتی که در *مروج الذهب* ذکر کرده است، اندکی تفاوت دارد ولی با جمع بین روایت دو اثر، می‌توان به چند نکته اساسی و قابل بررسی دست یافت:

۱. انتساب ایرانیان به ابراهیم (ع)؛
۲. زمزمه ایرانیان باستان کنار چاه زمزم؛
۳. حج ایرانیان باستان و ساسان بن بابک؛
۴. هدایای ایرانیان به کعبه در دوره باستان.

انتساب ایرانیان به ابراهیم (ع)

مسعودی دلیل زیارت کعبه توسط ایرانیان را، انتساب آنان به ابراهیم (ع) می‌داند. این‌که آیا نسب ایرانیان به ابراهیم (ع) می‌رسد یا نه، آن را در آثار خود مسعودی بررسی می‌کنیم.

۱. الهیاری، ۱۲۵.

۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ۲۶۶/۱.

۳. الهیاری، ۱۲۵-۱۲۶.

مسعودی آنجا که درباره نسب ایرانیان سخن گفته، بیان داشته که روایت مربوط به نسب ایرانیان در منابع یونانی، یهودی و ایرانی پر از اختلاف است؛^۱ به‌همین خاطر ترجیح داده گزارش‌های خود را از منابع ایرانی بگیرد، ولی با این حال، اشعار و روایاتی را که درباره نسب ایرانیان نقل کرده است، به قدری با هم اختلاف دارند که نمی‌شود به آن‌ها اعتماد کرد. برخی از این روایات حاکی از انتساب ایرانیان به اسحاق بن ابراهیم است،^۲ روایات دیگر انتساب ایرانیان را به یاسور بن سام بن نوح، یا ارفخشد بن سام بن نوح، یا یوسف بن یعقوب و یا لوط می‌رساند.^۳ بیشتر این اخبار در قالب اشعاری است که به شعرای قدیمی عرب نزاری منسوب است که در تفاخر بر یمنی‌ها آن را سروده و خود را با ایرانیان از یک نسل دانسته‌اند.

صحت اشعاری را که مسعودی بدان استشهاد کرده، بنا بر دلایلی نمی‌توان پذیرفت؛ اولاً، ظاهراً پیش از ظهور اسلام خصومتی بین اعراب شمالی و اعراب جنوبی وجود نداشته است و در اشعار جاهلی چیزی در این باب دیده نمی‌شود؛^۴ بنابراین اشعاری که به مفاخره بین این دو گروه از اعراب تعلق دارد مربوط به دوران اسلامی است نه قبل از ظهور اسلام؛ دوم، ظاهراً پیشینه شعر در عربستان تنها به ۱۵۰ سال قبل از بعثت می‌رسد؛^۵ سوم، جعلی بودن چنین اشعاری به وضوح آشکار است و احتمالاً توسط ایرانیانی که چندان مهارتی در شعرپردازی نداشته‌اند ساخته شده است.^۶ از سوی دیگر روایاتی که در سایر منابع راجع به نسب ایرانیان آمده، پر از اختلاف است؛ به گونه‌ای که حمزه اصفهانی از این پراکندگی و اختلاف روایات گله کرده است.^۷

۱. مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ۹۲.

۲. همو، ۹۵.

۳. همو، *مروج الذهب*، ۲۶۱/۱-۲۶۴.

۴. زریاب خوئی، ۲۶-۲۷.

۵. احمد امین، ۵۸.

۶. آذرنوش، ۲۳۳.

۷. حمزه اصفهانی، ۱۰.

زمزمه ایرانیان باستان کنار چاه اسماعیل

زمزمه عبارت از کلماتی بوده که ایرانیان در هنگام پرستش آتش و غذا خوردن آهسته بر زبان می‌رانده‌اند،^۱ به نوشته مسعودی، کتاب *اوستا* در نزد عوام به زمزمه معروف بوده^۲ که احتمالاً به خاطر آهسته خواندن، به زمزمه شهرت یافته بوده است.

مسعودی وجه تسمیه چاه زمزم را ناشی از زمزمه ساسان و ایرانیان در کنار این چاه دانسته و در این خصوص به سخن یک شاعر قدیمی (در *التنبیه و الاشراف* ص ۹۶ یکی از اعراب جاهلی) استناد کرده است. برخی از جغرافی‌نگاران قدیم، با نقل روایت مسعودی زمزمه را به شاپور[؟] نسبت داده‌اند^۳ که در روایت مسعودی سخنی از وی به میان نیامده است.

گزارش مسعودی از زمزمه ایرانیان در کنار چاه زمزم، پیش از وی در منابع اسلامی نقل نشده است؛ بنابراین می‌توان فرض کرد که مسعودی این روایت را از منابع ساسانی که مورخان دیگر بدان دسترسی نداشته‌اند گرفته باشد، اما بی‌تی را که مسعودی بدان استشهد کرده، آن را به شعرای عرب نسبت داده است نه به منابع ساسانی؛ بنابراین به نظر می‌رسد این شعر پس از ظهور اسلام توسط ایرانیان ساخته شده باشد؛ چنان‌که دکتر آذرنوش در این باب تردیدی ندارد.^۴

در خصوص نام‌گذاری زمزم، روایات گوناگونی نقل شده که هیچ‌کدام دلالت بر اصل تسمیه زمزم ندارد؛^۵ روایت مسعودی نیز از جمله آن‌ها است. احتمالاً زمزمه ایرانیان هنگام غذا خوردن و شهرت کتاب *اوستا* به زمزمه، باعث شده تا نام‌گذاری چاه زمزم به ایرانیان نسبت داده شود.

حج ایرانیان باستان و ساسان بن بابک

در برخی از منابع اسلامی اخباری وجود دارد که از روابط بین ایرانیان با مکه در زمان‌های نزدیک به ظهور اسلام حکایت دارد. ظاهراً اهل مکه با ایران و حیره رابطه تجاری داشته‌اند.^۶ روایت شده نوفل بن عبدمناف جهت رفت و آمد به عراق از خسروان ایران پیمان (ضمانت)

۱. یعقوبی، ۱۷۵/۱.

۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ۲۳۶/۱.

۳. یاقوت، ۱۴۷/۳؛ ابن خلدون، *العبر*، ۴۰۳/۱.

۴. آذرنوش، ۲۳۳.

۵. جواد علی، ۴۳۹/۶.

۶. ابن اثیر، ۷/۲.

گرفته بوده است.^۱ برخی از شاعران و داستان سرایان عرب نیز مانند اعی، امرؤالقیس و لقیط با دربار ساسانی در ارتباط بوده‌اند.^۲ همچنین برخی از گزارش‌ها بیان‌گر حضور ایرانیان و نفوذ فرهنگ فارسی در مکه است؛ صاحب‌اللاغانی از حضور بردگان ایرانی در مکه یاد کرده است.^۳ بنا بر گفته اولری،^۴ امپراطوری روم جاسوسانی را برای زیر نظر داشتن ایرانیان به مکه فرستاده بوده است. اگر نظر اولری درست باشد، باید گفت نفوذ ایرانیان در حجاز بیش از آن بوده که از منابع موجود استنباط می‌شود.^۵ همچنین برخی گزارش‌ها از سکونت زرتشتیان متعددی در حجاز و دیگر نقاط عربستان حکایت دارد، به طوری که گروهی از اعراب در اثر مجالست با آن‌ها به آیین زرتشتی گرویده و آتش پرست شده بودند.^۶

روایات مذکور، بیانگر ارتباط ایرانیان با مکه می‌باشد، اما هیچ‌کدام از این روایات به رابطه معنوی ایرانیان با کعبه و زیارت آنان دلالت ندارد؛ در حالی که مسعودی از اهمیت کعبه به عنوان مهم‌ترین معابد هفت‌گانه جهان در نزد ایرانیان و حج آنان در زمان‌های قدیم سخن گفته و ساسان بن بابک را آخرین فردی دانسته که به حج رفته است.

اخوان زنجانی بر این باور است که چون مسعودی این خبر را در ایران و از موبدان فارس شنیده؛ بنابراین ساسان بن بابک را با ساسان بن روزبه^۷ اشتباه گرفته است.^۸ حتی اگر بپذیریم، بپذیریم، مسعودی ساسان بن بابک را با ساسان بن روزبه اشتباه گرفته باشد، باز با مشکل مواجه هستیم، زیرا اولاً مسعودی فقط از حج ساسان بن بابک سخن نرانده؛ بلکه به حج ایرانیان باستان- آن هم به‌طور مکرر- تأکید کرده است؛ دوم گزارشی مبنی بر ارتباط ساسان بن روزبه با کعبه در منابع وجود ندارد.

روایت مسعودی مبنی بر حج ایرانیان و ساسان، در منابع پیش از مسعودی یافت نمی‌شود. حتی مورخانی که از حج گزاردن سلیمان، اسکندر، تبع و ... سخن به میان آورده‌اند، به حج

۱. یعقوبی، ۲۴۵/۱.

۲. الهیاری، ۱۱۹.

۳. اصفهانی ابوالفرج، ۳۲۹/۸.

4. O'leary.

۵. آذرنوش، ۲۳۵.

۶. همو، ۱۷۲.

۷. ساسان بن روزبه، در روزگاران قدیم از سوی برخی پادشاهان ایران بر اعراب تغلب، مضر، عمان، یثرب و تهامه حکومت داشته و حاکمان افریقیه و نوبه هم خراج به او می‌پرداخته‌اند؛ (حمزه اصفهانی، ۱۴۱).

۸. اخوان زنجانی، جلیل، «چاه تخت جمشید»، نشریه فرهنگ و هنر بخارا، ۹۶.

ایرانیان اشاره‌ای نکرده‌اند.^۱ البته عده‌ای از محققان که روایت مسعودی را پذیرفته‌اند برای اثبات آن، روایاتی که بر حرمت خانه کعبه نزد اقوام مختلف در دوران جاهلی دلالت دارد و برخی از آیات قرآن^۲ را شاهد و قرینه آورده‌اند،^۳ در حالی که برای این روایات دلیل و سند تاریخی وجود ندارد، بلکه عواطف و احساسات در ظهور این روایات نقش داشته است.^۴ سیاق آیات مطرح شده نیز کلی است و نمی‌تواند دلیل بر اثبات مدعا باشد.

برخی پژوهش‌گران معاصر نیز، بدون ارائه سند، علت حرمت کعبه نزد ایرانیان باستان را، اعتقاد آنان به حلول روح اهورا مزدا در خانه کعبه دانسته‌اند،^۵ در حالی که در روایت مسعودی و دیگر منابعی که آن را نقل کرده‌اند چنین مطلبی دیده نمی‌شود.^۶ این که این قسمت از روایت از کجا به آثار نویسندگان متأخر راه یافته، خود مسأله‌ای است که در پاسخ بدان می‌توان احتمال داد، ایرانیان برای اثبات صحت روایت مسعودی و ترویج آن همواره کوشیده‌اند؛ کوششی که باعث تغییرات و اضافات در روایت گشته است.

هدایای ایرانیان به کعبه در دوره باستان

مسعودی در قسمتی از روایت خود می‌گوید: ایرانیان قدیم با هدایا و نذوراتی آهنگ بیت الحرام کرده^۷ و مال و گوهر فراوانی به کعبه هدیه می‌کرده‌اند، از جمله این هدایا دو آهوی زرین، دو شمشیر و طلای بسیار بود که توسط ساسان بن بابک به کعبه هدیه شده و در چاه زمزم مدفون شده بود.^۸

۱. ابو حنیفه دینوری، ۳۵؛ ابن قتیبه دینوری، ۶۳۶؛ طبری، ۶۵۳/۲.

۲. آل عمران/۹۶ - ۹۷؛ حج/۲۷.

۳. حسنی، ۴۲-۴۵.

۴. جواد علی، ۱۷/۴.

۵. طباطبایی، ۳۶۱/۳؛ فرید وجدی، ۱۴۷/۸؛ البتونی، ص ۱۱۳؛ امینی، ۶۴.

۶. نک: سهیلی، ۱۳۵/۱؛ یاقوت، ۱۴۷/۳؛ ابن خلدون، مقدمه، ۶۹۸/۲؛ همو، العبر، ۴۰۴/۲.

۷. مسعودی، التنبیه و الاشراف، ۹۶.

۸. همو، مروج الذهب، ۲۶۷/۱.

در برخی از منابع که روایت مسعودی در آن‌ها ذکر گردیده، این هدایا به شاپور^۱ و یا خسرو^۲ نسبت داده شده است.

مسعودی در جای دیگر، کارهای عمرانی عبدالمطلب در مکه، از جمله حفر چاه زمزم را در زمان پادشاهی کسری بن قباد (خسرو انوشیروان) ذکر می‌کند^۳ که قابل تأمل است، زیرا مسعودی نه در صدد بیان وقایع دوران انوشیروان است و نه ذکر مطلبی راجع به او؛ بلکه آئین‌ها و عقاید اعراب در جاهلیت را بیان می‌کند که ربطی با خسرو انوشیروان ندارد؛^۴ ظاهراً مقصود مسعودی از ذکر خبر تقارن حفر چاه زمزم در زمان عبدالمطلب با خسرو انوشیروان، یادآوری داستان هدایای ایرانیان به کعبه و تأکید بر ارتباط ایرانیان با کعبه بوده است.

مسعودی نظر کسانی که اموال به دست آمده از چاه زمزم در زمان عبدالمطلب را متعلق به جرهمیان دانسته‌اند، رد می‌کند و احتمال می‌دهد، این اموال متعلق به دیگران باشد. روایت مسعودی در خصوص هدایای ایرانیان به کعبه و اموال چاه زمزم از چند نظر قابل نقد و بررسی است:

اولاً، در روایت مسعودی تناقض وجود دارد، زیرا مسعودی در این‌که اموال به دست آمده از چاه زمزم در زمان عبدالمطلب، متعلق به ایرانیان باشد تردید دارد، در حالی‌که در ابتدای روایت، اموال مدفون در چاه زمزم را از هدایای ساسان دانسته است؛

دوم، بر خلاف گفته مسعودی، مورخان و سیره‌نگاران سلف و معاصر وی، اموال و جواهرات به دست آمده از چاه زمزم را به جرهمیان نسبت نداده‌اند، بلکه فقط از دفن اموال در چاه توسط ایشان، سخن گفته‌اند؛^۵

سوم، مورخانی مانند ازرقی (د ۲۵۰هـ) که معماری، تزیینات و تعمیرات مسجدالحرام و کعبه و حوادث خاص شهر مکه را توصیف کرده‌اند، هیچ اشاره‌ای به هدایای ایرانیان نمی‌کنند. ازرقی تنها هنگام سخن گفتن از تعمیر کعبه توسط تبع، اشاره می‌کند که او برای درب کعبه قفل (چفت) فارسی (غلقاً فارسیاً) نصب کرد؛^۶

۱. بکری، ۲۸۱/۱؛ یاقوت، ۱۴۷/۳؛ ابن خلدون، العبر، ۴۰۴/۲.

۲. همو، مقدمه، ۶۹۸/۲.

۳. مسعودی، همان، ۲۵۴/۲.

۴. ملایری، ۱۴۴/۳.

۵. نک: یعقوبی، ۳۱۹/۲؛ طبری، ۲۸۵/۲؛ مطهر بن طاهر مقدسی، ۱۱۴/۴.

۶. ازرقی، ۶۵/۱.

چهارم، علی رغم مشکوک بودن روایت مسعودی، روایات دیگری که در برخی منابع آمده و بر هدایای اقوام دیگر، مانند پادشاهان تبع، به کعبه دلالت دارند نیز چندان قابل اعتماد نیستند، زیرا بر اساس گفته جواد علی، این مطالب برآمده از روایات اخباریان است و در آن‌ها تناقض وجود دارد و احساسات و عواطف در بروز آن‌ها نقش داشته است؛ بنابراین دلیل و سند تاریخی در این خصوص وجود ندارد؛ به طوری که اگر کسی بخواهد مطلب مقبول و موثقی از تاریخ شهر مکه بنویسد، ممکن نیست.^۱

وضع روایت مسعودی در آثار دیگران

چنان‌که اشاره رفت، در آثار نویسندگان قبل از مسعودی، این روایت دیده نمی‌شود؛ هم‌چنین مورخان که پس از مسعودی با تأمل، دقت و دید نقادی تاریخ را نوشته‌اند، آن را ذکر نکرده‌اند. این روایت تنها در آثار چند تن از مورخان و جغرافیایان راه یافته است؛ البته در آثار این گروه از نویسندگان، تغییرات و اضافاتی در صورت روایت دیده می‌شود.

نخستین کسی که بعد از مسعودی، از توجه ایرانیان به کعبه در دوران پیش از اسلام سخن گفته، مطهر بن طاهر مقدسی (د. نیمه دوم قرن ۴هـ)، مورخ هم عصر مسعودی است. وی بدون آن‌که به تفصیل موضوع بپردازد، به قداست کعبه نزد مذاهب مختلف، از جمله مجوس اشاره کرده و نام‌گذاری زمزم را، به خاطر زمزمه ایرانیان دانسته و به بیت شعری که مسعودی نیز آن را آورده، استشهد کرده است.^۲ ولی منبع خبر را ذکر نکرده است. احتمال می‌رود، مقدسی آن را از مسعودی و یا منبعی که مورد مراجعه مسعودی بوده، گرفته باشد. بعد از مطهر بن طاهر، این روایت جز در فرهنگ‌های جغرافیایی و اثر تاریخی سهیلی و ابن خلدون دیده نمی‌شود.

ابو عبید البکری (د. ۴۸۷هـ) در اثر جغرافیایی خود، *المسالک و الممالک*، در بیان تاریخ ملوک ساسانی، از حج گزاردن پادشاهان ایران، طواف ساسان، زمزمه او در کنار چاه اسماعیل و هدایای وی به کعبه سخن گفته است.^۳ با آن‌که بکری منبع خود را ذکر نکرده است، اما با توجه به نفوذ مسعودی در بکری،^۴ هم‌چنین آن گونه که از ظاهر روایت بر می‌آید، بایستی آن را از مسعودی گرفته باشد.

۱. جواد علی، ۱۷/۴.

۲. مطهر بن طاهر مقدسی، ۴۸/۴.

۳. بکری، ۲۸۱/۱.

۴. کراچکوفسکی، ۲۱۹.

یاقوت حموی (د. ۶۲۶هـ) هنگام توصیف زمزم، گزارش مسعودی را با استناد به وی، به طور کامل آورده،^۱ اما نکته قابل توجه این است که یاقوت، از حج شاپور [؟] سخن گفته است،^۲ در حالی که در روایت مسعودی نامی از شاپور در میان نیست.

محمد بن عبد المنعم الحمیری (د. ۹۰۰هـ) از آخرین مؤلفان فرهنگ‌های جغرافیایی، در *الروض المعطار* به ارتباط معنوی ایرانیان و ساسانیان با کعبه اشاره کرده است.^۳ از آنجا که حمیری، در تألیف اثر جغرافیای خود از کتاب *المسالك و ممالک بکری* استفاده کرده است،^۴ به نظر می‌رسد منبع وی در مورد این روایت، بکری بوده باشد، زیرا حمیری نیز روایت را تقریباً مانند بکری نقل کرده است، با این تفاوت که از هدایای ساسان سخنی به میان نیاورده است.

افزون بر مؤلفان فرهنگ‌های جغرافیایی، برخی از لغت‌شناسان، هم‌چون صاحب *الصحاح و صاحب لسان‌العرب* نیز به روایت مسعودی اشاره کرده‌اند.^۵ از تاریخ‌نویسان، ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی (د. ۵۸۱هـ)، در اثر *دائرةالمعارف* گونه^۶ خود *(الروض الانف)*، از قول مسعودی زمزمه ایرانیان در کنار چاه زمزم را دلیل بر وجه تسمیه آن دانسته است.^۷ مورخ دیگری که خبر ارتباط ایرانیان با کعبه را نقل کرده، مورخ شهیر عبدالرحمن بن خلدون (د. ۸۰۸هـ) است. ابن خلدون در مقدمه بدون ذکر منبع خبر، از زیارت و هدایایی ایرانیان، از جمله کسری (خسرو) [؟] سخن به میان آورده است،^۸ اما در تاریخ خود آن‌جا که به شرح ماجرای حفر چاه زمزم در زمان عبدالمطلب پرداخته، از قول سهیلی بیان داشته است: اموال به دست آمده از چاه، هدایایی ساسان و به قولی شاپور [؟] بوده است.^۹

اغلب منابعی که روایت مسعودی در آن‌ها آمده، کتاب لغت و یا فرهنگ‌نامه است که هدف مؤلفان آن‌ها تاریخ‌نگاری نبوده و چندان دیدگاه تحلیلی و نقّادی نداشته‌اند، بلکه در توصیف

۱. یاقوت، ۱۴۷/۳.

۲. همو، ۱۴۸/۳.

۳. حمیری، ۲۹۳.

۴. کراچکوفسکی، ۳۵۳.

۵. آذرنوش، ۲۳۳.

۶. همتی، عبدالله، «سهیلی و الروض الانف»، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ۵۳۱.

۷. سهیلی، ۱۳۵/۱.

۸. ابن خلدون، مقدمه، ۴۳۷/۱ و ۴۴۰.

۹. همو، العبر، ۴۰۳/۱.

زمزم و وجه تسمیه آن اخبار و روایاتی را که بدان دسترسی داشته‌اند، بدون توجه به صحت و سقم آن، ذکر کرده‌اند. در این میان نقل روایت توسط ابن خلدون، خصوصاً در مقدمه، قابل تأمل است. ابن خلدون علی‌رغم معانی بلند که در مقدمه در مورد تاریخ آورده و بدان معتقد بوده، در تاریخ اقوام و ملل چندان دیدگاه نقادی را بکار نبسته است؛^۱ بنابراین تاریخ ابن خلدون خلدون را نمی‌توان اثری کاملاً موثق و مقبول به حساب آورد، خصوصاً راجع به شرق اسلامی اثر وی، منبعی دست اول و چندان قابل اعتماد نیست.

نتیجه

بر اساس آنچه گفته شد، روایت مسعودی مبنی بر توجه ایرانیان به کعبه در دوران پیش از اسلام، قبل از مسعودی در هیچ یک از منابع اسلامی نیامده است؛ مسعودی روایت خود را از منابع ساسانی نیز نگرفته، زیرا به اشعار شاعران عرب و شاعران ایرانی دوران اسلامی استناد کرده است؛ اشعاری که نه سراینده‌گان آن مشخص است، و نه در منابع دیگر می‌توان آن را به دست آورد؛ بنابراین می‌توان چنین گفت، این روایت بایستی در دوران اسلامی تحت تأثیر اندیشه‌های شعوبی‌گرانه و ملی‌گرایی ایرانیان ساخته شده باشد؛ چنان‌که از فحوای روایت مسعودی - آن‌جا که می‌گوید: یکی از شاعران ایرانی پس از اسلام بر خود بالیده است - می‌توان آن را دریافت. به نظر می‌رسد، روایت در زمان حیات مسعودی و یا زمان‌های نزدیک به آن ساخته شده است، زیرا اگر پیش از آن چنین روایتی مطرح بوده، می‌بایستی به تاریخ طبری که روایات آن بدون گزینش و فارغ از تحلیل، گردآوری شده است، راه می‌یافت.

اضافه شدن نام شاپور و خسرو در روایت سهیلی، ابن خلدون و یاقوت، هم‌چنین اعتقاد ایرانیان به حلول روح اهورا مزدا در کعبه که به آثار نویسندگان متأخر راه یافته، همه از استمرار تکاپوهای ایرانیان برای اثبات روایت و ترویج آن دلالت می‌کند.

علی‌رغم جعلی بودن روایت مسعودی، به‌طور کلی رابطه ایرانیان با مکه در دوره‌های پیش از ظهور اسلام را نمی‌توان رد کرد، زیرا علاوه بر روابط تجاری و فرهنگی ایرانیان با اهل مکه که منابع آن را تأیید می‌کند، از روی برخی قرائن می‌توان احتمال داد که خانه کعبه برای ایرانیان شناخته شده و قابل احترام بوده، اما نه آن‌گونه که مسعودی روایت کرده است.

استفاده مسعودی، از اخبار راویانی چون ابو عبید معمر بن مثنی - متهم به شعوبی‌گری - و دیگر راویان عرب، بدون ذکر نام راوی خبر و همچنین استناد به اشعاری که شاعر آن مشخص نیست، باعث می‌شود تا علاوه بر این روایت، برخی دیگر از گزارش‌های مسعودی درباره ساسانیان دور از حقیقت و غیر قابل اعتماد باشد.

کتابشناسی

قرآن کریم.

- آذرنوش، آذرتاش، *راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان جاهلی*، انتشارات طوس، ۱۳۷۴ش.
- البتونی، محمد لبیب، *سفرنامه حجاز یا الرحلة الحجازية*، ترجمه هادی انصاری، نشر مشعر، ۱۳۸۱ش.
- ابن الأثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر - دار بیروت، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
- همو، *العبر دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصروهم من ذوی السلطان الأكبر*، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ط الثانية، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
- ابن قتیبة دینوری، *المعارف*، أبو محمد عبد الله بن مسلم، تحقیق ثروت عکاشة، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ط الثانية، ۱۹۹۲م.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تعلیقات مهین جهان بگلو، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶ش.
- ابو علی مسکویه الرازی، *تجارب الأمم*، تحقیق ابو القاسم امامی، تهران، سروش، ط الثانية، ۱۳۷۹ش.
- ابوالفرج اصفهانی، *الاعانی*، قاهرة، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة، ۱۹۶۳م.
- احمدامین، فجر الاسلام، قاهرة، مكتبة النهضة المصرية، [بی تا].
- اخوان زنجانی، جلیل، «چاه تخت جمشید»، نشریه فرهنگ و هنر «بخارا»، شماره ۶۷، مهر و آبان ۱۳۸۷ش.
- اشپولر، برتولد، *تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴ش.
- ازرقی، ابو الولید محمد بن عبد الله، *اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار*، به کوشش صالح ملحس، مکه، ۱۳۵۷ق.

الهیاری، فریدون، «تاریخ ساسانی در شاخص‌های تاریخ نویسی اسلامی (طبری، مسعودی، ابن اثیر)»، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۲۶ و ۲۷، ۱۳۸۰ش.

امینی، محمد هادی، تاریخ مکه، ترجمه محسن آخوندی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.
بکری، ابو عبید عبدالله، المسالک و الممالک، دار الغرب الاسلامی، بی جا، ۱۹۹۲م.
جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۸۰ش.
حسنی، سیدعلی، «جایگاه کعبه در نزد اقوام جاهلی و پیروان ادیان مختلف»، نشریه علوم انسانی «معرفت»، شماره ۹۵، آبان ۱۳۸۴ش.

حمزه اصفهانی، تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، بیروت، منشورات دار مکتبه الحیاء، [بی تا].
حیدری، اصغر، «ایرانیان در سپیده دم اسلام»، کیهان اندیشه، شماره ۷۰، بی تا.
همو، «حج ایرانیان و زمزمه در کنار آن»، مکتب اسلام، سال ۴۱، شماره ۱۲، بی تا.
حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ط الثانية، ۱۹۹۵م.

دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعة جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.

رفعت پاشا، ابراهیم، مرآت الحرمین (سفرنامه خجاز و تاریخ و جغرافیای راه‌ها و بقاع متبرکه آن)، ترجمه هادی انصاری، نشر مشعر، ۱۳۷۷ش.

زریاب خوئی، عباس، سیره رسول الله (ص) از آغاز تا هجرت، سروش، ۱۳۸۸ش.
السباعی، احمد، تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه (۱۳۴۴ق)، ترجمه رسول جعفریان، نشر مشعر، ۱۳۸۸ش.

سجادی، صادق و هادی عالم‌زاده، تاریخنگاری در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۵ش.
سهیلی، عبدالرحمن بن عبدالله، الروض الانف تفسیر السیره النبویه لابن هشام، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، دارالفکر، ۱۳۹۱م.

صفری فروشانی، نعمت اله، مکه در بستر تاریخ، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ش.
طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق.
طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م.

فرید وجدی، محمد، دائرة المعارف القرن العشرين، دارالفکر، [بی تا].
کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹ش.

- کریستن سن، آ، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، ۱۳۷۰ ش.
- گیب، ه. آ. ر، ادبیات شرح حال نویسی در اسلام، از مجموعه مقالات تاریخ‌نگاری در اسلام، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۱ ش.
- محمودآبادی، سید اصغر، *امپراطوری ساسانیان در گزارش‌های تاریخی اسلامی و غربی*، اصفهان، انتشارات افسر، ۱۳۸۴ ش.
- مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، *التنبیه و الإشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، (افست قم: مؤسسه نشر منابع الثقافة الاسلامیة)، بی تا.
- همو، *التنبیه و الإشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
- همو، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
- همو، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
- مطهر بن طاهر المقدسی، *البدء و التاریخ*، بور سعید، مکتبه الثقافة الدینیة، [بی تا].
- ملایری، محمد مهدی، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، نشر توس، ۱۳۷۹ ش.
- همتی گلیمان، عبدالله، «سهیلی و الروض الانف»، نشریه علمی-پژوهشی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴۹ و ۵۰، ۱۳۷۹ ش.
- هوار، کلمان، «ادبیات جغرافی‌نگاری و تاریخ‌نگاری در اسلام»، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۱ ش.
- یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دار صادر، [بی تا].